

"گریه انار"

قباد جهلیزاده

زنی دوستم میدارد

زنی بالا بلندتر از قامت فراق

کوتاهتر از قامت لبخند

زنی

سیاه چشم تر از شکست و

گیسو لختتر از رود

زنی منتظر من است

منی که نصیب به تبار پروانه میرسد

اما باید

با توشه جنگ راه بیفتم

زنی دوستم میدارد

زنی

دهانش گرمتر از آتشدان گل

صدایش پر خروشتن از موسیقی آتش

زنی

بازویش صافتر از امید و

انگشتش لطیفتر از خواب

زنی منتظر من است

منی که از دستان بیابان تشنه ترم

اما باید رگباری با خود ببرم

زنی منتظر من است

پستانش بزرگتر از سیب آدم و

کوچکتر از مشت لذت

زنی

نفسهایش خوشبوتر از سفر و

خنده اش سرختر از گریه انار

زنی منتظر من است

منی که

از خانواده شمشیرم

اما باید

با دسته ای از گل راه بیفتم

زنی

با شاخه ای از عشق منتظر

من نیز

برای زیر و رو شدن زمین

در انتظار!!

